بسم اللہ الرحمن الرحیم
نحمدہ و نصلی علی رسولہ الکریم

"وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها إلا هو" (انعام: ۵۹)

(و نزد اوست کلید ھائی غیب، نمی داند آن را مگر او)



علمِ غیب

پرفوسور دکتر
محمد مسعود احمد

ترجمہ فارسی:
مولانا عبدالرحمن نعیمی، ایران

ناشر
ادارۂ مسعودیہ
۲/۶، ۵۔ ای، ناظم آباد۔ کراچی، (سندھ)
اسلامی جمہوریۂ پاکستان، ۱۴۱۷ھ/۱۹۹۷ء

وَعِنْدَهٗ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ ؕ (انعام: ۵۹)

(و نزد او است کلید هائی غیب، نمی داند آں را مگر او)



پرفسور دکتر محمد مسعود احمد

ترجمہ فارسی

مولوی عبدالرحمن نعیمی، ایران

ناشر

ادارۂ مسعودیہ

۲ / ۵،۶۔ای، ناظم آباد، کراچی

اسلامی جمہوریہ ۔ پاکستان

۱۴۱۷ھ / ۱۹۹۷ء

بسم الله الرحمن الرحيم



علم یک قوت بزرگی است، اهمیت و قدرت علم در دور جدید بیشتر آشکار شده در نظر آمده است قرآن کریم است که انسان را برای نوشتن و خواندن [1] و حاصل نمودن علم متوجه ساخت [2] و انسان را همان رازهای پوشیده گفت و برای انسان آشکار کرد که دماغ انسان به سبب آن روشن گشت۔ قرآن کریم برای علم و دانش معدن و گنج بزرگی است۔ درین کتاب دربارۂ علم و مشتقاتش بیش از ۸۰۰ صد جای ذکر شده و کتاب و کتابت بیشتر از ۶۰۰ شش صد جا تذکر داده است، به همین خاطر در نظر قرآن مجید اهمیت علم بسیار دیده می شود۔ رسول اکرم صلی اللہ علیه وسلم فرمود که "من به حیثیت معلمی فرستاده شده ام، [3]" آن حضرت صلی اللہ علیه وسلم برای حاصل نمودن علم بی نهایت و بسیار تاکید کرده است و فضیلت علم را آشکار نموده است۔ [4] حضرت علی رضی اللہ عنه فرمود که فضیلت فقط برای عالم می باشد۔ [5] و در قرآن موجود است که حضرت طالوت خصوصاً به برکت علم بر بنی اسرائیل بادشاه کرده، [6] شد و به وسیله علم حضرت آدم علیه السلام بر ملائک فضیلت یافت، [7] ازین جا معلوم می شود که برای نبوت و رسالت و پیشوائی و بادشاهت عالم بودن ضروری است۔

علم بر دو نوع است قسم اول انیست که ما در مدارس و دبیرستانها و دانشگاها حاصل می کنیم ما فقط همین را در ذهن خود علم می دانیم و بر آں یقین می کنیم مگر قسم دوم علمسیت که براه راست تعلیم داده می شود، برای حاصل نمودن این نوع ثانی احتیاج به مدارس و دبستان و دبیرستان و دانشگاه نیسته۔ این علمی است پوشیده که آن را قرآن حکیم از علم غیب تعبیر کرده است [8] و ایمان داشتن به این علم علامت مسلمانی گذاشته شد، [9] این

علمی است کہ نہ عقل انسان آن را حاصل توان کرد ونہ حواس ظاھری و باطنی انسان۔
این علم بر جملہ علوم دیگر غالب است و تحصیل و کسب را درین ھیچ گونہ تعلق نیست،
این محض از فضل و کرم خداوندی مثل باران می بارد و مانند چشمہ آب جوش می زند۔
قرآن در بسیار آیاتھا ذکر علم غیب کردہ است و دستور دادہ است کہ این علم مر خدای را
است و برائی او ثابت شدہ است، این آیتھا را ملاحظہ کنید:۔

(۱) و نزد اوست کلید ھای غیب وا و می داند غیب را۔ [۱۰]

(۲) ھر آئینہ می دانم چیزھای پوشیدہ آسمانھا و زمینھا۔ [۱۱]

(۳) بگو کہ غیب بدون شک مر خدای را است۔ [۱۲]

وبہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ ای محبوب من (۴) تو بازبان مبارک خود ارشاد کن و نمی گویم بہ شما کہ نزدیک من خزینہ ھای خداوند است و نہ این کہ گویم غیب می دانم [۱۳]

ازین آیاتھا معلوم شد کہ غیب خاص برای خدا است۔ ھیچ کس بہ ذات خود غیب نمی داند و بدون عطاء خداوندی نزد ھیچ یک خزینہ ھای خدا نیست بلکہ از عطای خداوند می باشد۔ پس از تفکر کردن درین آیاتھا معلوم می شود کہ خدا در ھیچ جا نفرمودہ است کہ علم غیب را بہ کسی عطا نمی کنیم و نہ گفتہ است کہ این خزینہ ھا را بہ کسی عطاء نمی کنم۔ نفی از علم غیب ذاتی است نہ از علم غیب عطائی بلکہ محبوبان خدا را از فضل خداوندی علم غیب عطائی حاصل است این مھمترین نکتہ ای است کہ مسلمانان را بایستی درین تفکر کرد، خداوند کریم در قرآن کریم ارشاد فرمودہ است:۔

(۱) اوست دانائے غیب پس مطلع نمی سازد بر علم غیب خود ھیچ یک را مگر کسی را کہ پسند کرد از پیغمبر خود۔

(۲) و خداوند شما را بر علم غیب مطلع نمی سازد و لیکن خدا بر می گزیند از پیغمبران خود

هر که را که خواهد [۱۴]

پس اینطور نیست که فقط گفته باشد و علم غیب عطانکرد باشد بلکه خداوند کریم پیامبران برگزیدهٔ خود را این علم عطا فرموده است که در قرآن مجید درباره آن تفصیلاً ذکر شده است۔ به این آیتها ذیل توجه فرمائید:-

(۱) ----- و تعلیم داد آدم (علیه السلام) را نامهای تمام چیزها و پیش آورد به فرشتگان آن چیزها [۱۵]

(۲) -----و به حضرت داؤد علیه السلام فرمود:-

بیاموخت او را از آنچه می خواست [۱۶]

(۳) -----و حضرت سلیمان علیه السلام علم غیب را به این نحو ذکر کرد:-

ای مردمان آموخته شد ما را گفتار مرغان و داده شد و ما را چیزها از هر نوع [۱۷]

(۴) -----و برای حضرت لوط علیه السلام فرمود:-

و لوط را دادیم حکمت و علم [۱۸]

(۵) -----برای حضرت یعقوب علیه السلام فرمود:-

و هر آئینه او بود صاحب علم به آنچه ما آموخته بودیم او را و لیکن اکثر مردمان نمی دانند [۱۹]

(۶) ----- حضرت یعقوب (علیه السلام) خود نیز این عطای ربانی را پیش پسران خود اظهار کرده فرمود:-

گفت آیا نه گفته بودم به شما که هر آئینه من می دانم از جانب خدا آنچه شما نمی دانید [۲۰]

(۷) -----بران حضرت یوسف (علیه السلام) فرمود:-

و قتیکه به جوانی خود رسید ما او را حکمت و علم عنایت کردیم [۲۱]

(۸) ----و برای حضرت موسیٰ (علیه السلام) فرمود۔

چون رسید به جوانی خود و درست اندام شد دادیم او را حکمت و علم [۲۲]

(۹) ----و دربارۂ حضرت خضر (علیه السلام) فرمود۔

پس یافتند بنده ای را از بندگان ما که داده بودیم او را رحمتی خاص از نزد خود آموختیم او را از نزد خود علمی بطور خاص [۲۳]

ازین آیتها معلوم شد که خداوند کریم علم غیب به انبیاء کرام که برگزیدگان پروردگار کائنات هستند عطاء فرموده است مگر اکثر مردم این را نمی فهمند۔

آن حضرات قدسیه بعضی اوقات این علم را اظهار نیز کرده اند باذن خداوندی چنانچه در قرآن مجید موجود است که حضرت عیسیٰ (علیه السلام) با پیرو کاران خود ارشاد کرد [۲۵]

(۱۰) ---و خبر می دهم شما را به آنچه میخورید و آنچه ذخیره می گزارید در خانه های خود تان یعنی هر کسی از هر چیزی در خانۂ خود می خورد و می نهاد، همه را حضرت عیسیٰ (علیه السلام) وا می دید و مشاهده نمود.... حضرت یوسف علیه السلام در زندان قبل از تعبیر نمودن خواب باز ندانیان گفت۔

(۱۱) ---فرمود نخواهد آمد به شما هیچ طعامی که داده می شوید آن را مگر خبردار کنم شما را به تعبیر آن قبل از آنکه بیاید به شما مصداق این تعبیر به برکت آن علم است که آموخته است، ا پروردگار من۔ [۲۶]

ازین آیه نیز معلوم می شود که خداوند کریم به برگزیدۂ پیامبران خود را علم غیب عطا کرده است ازین عطای خاص انکار کردن گویا انکار نمودن از قرآن قرار می گیرد این علم چیزی کم ارزش و معمولی نیست بعد از یک اهتمام و آمدگی عظیمی عطاء کرده می

شود و هر کسی راکه عطاء نموده شد فرشته ها برای نگهبانی او از هر طرف مامور کرده می شوند، ارشاد فرمود:-

(۱۲) ---- پس مطلع نمی ساز دبر علم غیب خود هیچ یک را مگر کسی که پسند کرد او را از پیامبر پس بر آئینه خدا ارسال می کند جلو و عقب وی فرشته گان را برای نگهبانی۔ [۲۷]

بدون تردید هر کسی را این علم عطاء کرده شد پس بر آن شخص بسیار انعام بزرگ کرده شد، همه انبیاء را به یک نوع علم غیب عطاء کرده نه شده است بلکه آنچه در میان انبیاء درجات متفاوت اند آنچنان [۲۸] علم غیب نیز طبق درجات آنها درجه بدرجه عطاء کرده شده اند از آیات قرآنی تصدیق این امر دیده می شود چنانچه از واقعه حضرت موسیٰ (علیه السلام) و حضرت خضر (علیه السلام) واضح می گردد حتی که ملاقات موسیٰ (علیه السلام) با حضرت خضر (علیه السلام) شد و حضرت موسیٰ (علیه السلام) طلب تعلیم گرفتن آن علم لدنی که علم غیب است اظهار کرد و تقضاء نمود که خداوند حضرت خضر (علیه السلام) را عطاء کرده بود حضرت خضر (علیه السلام) آن عرض را قبول کرد مگر توصیه کرده فرمود۔ پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا انکه خود بگویم برائی تو از حال آن یک بیانی [۲۹] حضرت خضر (علیه السلام) هر چه می کرد و می رفت حضرت موسیٰ (علیه السلام) آن را نه فهمید آخر تحمل نکرد و سوال کرد حضرت خضر (علیه السلام) پردهٔ سر را آشکار نمود مگر بعد ازین همراهی موسیٰ (علیه السلام) را قبول نکرد این واقعه کاملاً در قرآن مجید موجود است۔۔۔۔ [۳۰]

در ضمن این آیتها هویدا گشت که جمله انبیاء را یکسان علم غیب عطاء کرد نشده است علم غیب به رسول اکرم صلی اللہ عیہ وسلم نیز عطاء کرده شده است و همین علم یک معجزه بزرگی بود برائی آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم، جمله انبیاء را معجزه مختلف

عنایت کرده شده اند مگر رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را علمی کہ بہ همہ انبیاء کرام داده شده بود کاملاً علوم جملہ انبیاء کرام در ذات پاک رسول گرامی موجود بود کہ بہ یکصد و بیست و چهار هزار کم بیش انبیاء داده بودند وغیر از آن بہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم علوم بسیاری عطاء شده است از جانب خداوند کریم کہ جز پروردگار آنرا کسی نمی داند، جملہ صفاتی کہ دیگر انبیاء کرام داشتند کل آنها در ذات پاک رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم موجود اند۔

حسن یوسف دم عیسیٰ ید بیضا داری
آنچہ همہ خوبان دارند تو تنها داری

آن حضرت سرور عالم رحمتہ للعلمین صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم جامع تمام صفات حسنہ و جامع معارف و علوم جملہ انبیاء بود هر انعامی کہ از هر چیز بہ شفیع المذنبین حضرت محمد الرسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم داده شده است، در شان او پروردگار ارشاد می فرماید

و ترا ای محبوب صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم آموخت آنچہ ندانستہ ای و بر تو فضل عظیم خداوند است [31]

ازین پتہ معلوم شد هیچ چیزی باقی نمانده است کہ آن را امام الانبیاء نبی آخر زمان محبوب صلی اللہ علیہ وسلم رانہ داد ند، بہ همین سبب خداوند آنرا بہ فضل عظیم توصیف کرد، هرچہ کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم را علم عنایت شده پروردگار اورا تعلیم داده است بدون شک [36]

بزرگترین غیب ذات خداوندای است بقیہ غیب مانند. جنت دوزخ عالم برزخ نسبت بہ ذات خداوندی پائین تراند و قتیکہ بزرگترین غیب ذات اللہ تعالیٰ بوده مگر

چشمان مبارک رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اورا دیدہ اند، جنت را دیدہ اند، دوزخ را دیدہ اند، عالم برزخ را مشاھدہ نمودہ اند پس کدام چیز است رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم آنرا نمی داند و خداوند آنرا عطا نکردہ است، آیا از ذات خداوندی چیزی خوبتر است کہ از نظر رسول اللہ و بصارت معجزانۂ رسول اکرم پوشیدہ کردہ شدہ است باجود این دلائل کسی انکار شان رسالت کند و توھین نماید دربارۂ علم غیب عطائی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم علامت منافقی می باشد و نادانی است۔۔۔ حضرت شیخ سعدی فرمودہ است۔

طلب کردم ز دانایان یکی پند
مرا گفتند بہ ناداں مپیوند

اگر دانای گھر بہ باشی خربہ باشی
و گر نادانی ابلہ تربہ باشی

خداوند از نفاق و نادانی ھمہ مسلمانان را نجات دھد (آمین)

ھرچہ کہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را علم بودہ خداوند بہ آن سرور عالم آموختہ است۔۔۔ مثلاً استاد شاگرد را گوید "من ترا تعلیم دادہ ام قبلاً تو ھیچ ندانستہ ای" این گفت حق است و حرف درست می باشد گستاخی بی ادبی قرار نمی گیرد۔۔۔

لیکن اگر شاگرد استاذ خود را گوید۔۔۔ "تو استاذم ھستی مگر قبلاً ھیچ ندانستہ ای مگر استاذت تعلیم دادہ است بعداً دانستہ ای واستاذم قرار گرفتہ ای"۔۔۔ این سخن شاگرد برای استاذ خودش سراسر بی احترامی و بی ادبی قرار می گیرد نزد عقلمندان و در تاریخ انسانیت این چنین شاگرد بی ادب در نظر نیامدہ است، پروردگار عالم است کہ علم بہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم عطا کردہ آموختہ است پس اگر رب العلمین بہ آن

حضرت گوید کہ من ترا علم غیب عطائی و دیگر علوم عطاء کردام قبل ندانستہ ای غیب ندارد چنانچہ در قرآن مجید رب العلمین ارشاد کرد۔۔۔ ما کنت ”ماتدری ما الکتب وللایمان“ ۳۲ پس این شائستہ شان خداوندی می باشد مگر ما حق نداریم کہ بہ ذات رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم قیاس کردہ بر قول خدا و بگوئیم کہ رسول اللہ علم نداشتہ است و فلان جا اینطور خدا بہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم گفتہ، اگر ہمچنین گوئیم مثل شاگرد گستاخ وبی ادب قرار می گیریم وبی ادبی سبب می شود کہ انسان را از رحمت خدا دور دارد، بہ بینید شیطان چہ قدر علم داشت چقدر عبادت کردہ بود مگر وقتیکہ تعظیم آدم (علیہ السلام) را بجا نیاورد مردود گشت و جہنمی، شد آدم (علیہ السلام) مقتدی حضرت محمد الرسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در شب معراج بود کسی کہ آدم را تعظیم نکرد علم و عبادت او تباہ و برباد شدند، پس کسی ادب امام انبیاء نکند و در شان او گستاخی کند از شیطان بد تر قرار می گیرد و ھلاک می شود

ازالہ جوئیم توفیق ادب
بی ادب محروم ماند از فضل رب

خداوند متعال بہ محبوب صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم خود ارشاد فرمودہ است:۔۔۔
بدون شک خداوند آن حضرت را علم غیب عطاء فرمودہ است و فضل عظیم توصیف کردہ ہر شخصی این فضل خداوندی را انکار می کند و آن را تخفیف کند آن شخص گویا کہ فضل خداوندی را منکر است اگر کسی منکر فضل خداوندی باشد پس کدام شخص مومن اورا مسلمان می شمارد۔ بلکہ شان موحد آنست جملہ احکام خداوندی را احترام گزارد و خودش نیز بر آن حکم عمل کند و دیگران را نیز برای عمل دستور دھد۔۔۔ دربار رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم و مجلس رسول اللہ اینقدر بسیار قمعزز و محبوب است عند

اللہ کہ اگر کسی بہ بلند آوازی صدا کند در آن بار گاہ رسالت و صدا بلند کند از آواز مبارک رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ایمان واعمال را تباہ و برباد می کند و بدون اجازہ از مجلس آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسی برخاست برای آن وعید عذاب درد ناک گفتہ شدہ است در آیہ قرآن توجہ فرمائید کہ خداوند رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم چہ قدر شان و عزت دادہ است بہ مردم حکم می دھد برای تعظیم آن سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم۔

آن چنان شما یکدیگر را صدامی زنید رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
را بہ آن طریق صدا نزنید خداوند می داند چہ کسانی از شما در پناہ
دیگری خود را پنہان می سازند و آہستہ آہستہ بیرون می روند،
کسانیکہ از فرمان اوروگردانی می کنند بایستی بترسند کہ مبادا بہ آنھا
فتنہ ای یا عذابی دردناک برسد [۳۴]

شما خود تان اندازہ کنید کہ وقتیکہ شان بارگاہ رسالت این قدر عالی و بارونق است چہ قدر ادب خوب در نظر می آید کہ در آن مجلس صحابہ کرام نیز سر را پست کردہ خاموش نشستہ اند و برھر سخن می گفتند، "پدر و مادر ما قربانت باشند یا رسول اللہ" (صلی اللہ علیہ وسلم) و جواب سوال آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم را بہ تعظیم و احترام می دادند "اللہ و رسولہٗ اعلم" ---- خدا و رسول بیشتر می دانند---- بدون شک حضور اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را خداوند کریم علم غیب عطا فرمودہ است و حقیقت این بہ سہ توجیہ فھمیدہ می شود۔

(۱) آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم را مستقیما علم غیب عطاء کردہ است۔
(۲) نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را قرآن مجید عطاء فرمودہ است کہ خزانہ علم غیب است۔

(۳) ----آن سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم شاھد کردہ شدہ وفرستادہ شدہ است
شاھد آن است کہ دروقت واقعہ موجود باشد وآن فعل و کار رامشاھدہ نیز نماید
یعنی اوراعین الیقین وحق الیقین ھرسخن حاصل باشد وگرنہ چطور شاھدی می دھد؟
(۱) ---- اگر علم غیب رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم از جھت اول دیدہ شودپس این
آیات قرآن مجید این مطلب را تصدیق می کنند۔

○ اینھا از خبرھا، غیب اند کہ بہ طرف تووحی می کنیم [۳۵]

○ اینھا اخبار غیب اند برای تووحی کردیم [۳۶]

○ واواز گفتن خبر غیب بخیل نیست۔ [۳۷]

واگر علم غیب آن حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم از جھت دوم دیدہ شود پس
این آیتھا برای باز کردن چشمھای ما کافی اند [۳۸]

① ----مانازل کردیم این قرآن رابر تو کہ بیان کنندہ تمام چیزھا است

② ---- این قرآن حرف خود ساختہ نیست بلکہ تصدیق کنندہ آن کلام ھا است
کہ قبل ازو بودند وبیان کنندہ ھرچیز است۔ [۳۹]

③ ----مادرین کتاب ھیچ چیز فروگزار نکردہ ایم۔ [۴۰]

④ ----بدون تردید نزد شما از جانب خدا ایک نوری آمد ویک کتاب روشن۔ [۴۱]

⑤ ---- و نیست ھیچ مقدمہ پوشیدہ در آسمان و زمین مگر نوشتہ شدہ است در کتاب
روشن۔ [۴۲]

⑥ ---- ھیچ دانہ در تاریکھای زمین ونہ ھیچ تری ونہ خشکی الا ثبت است در کتاب
روشن۔ [۴۳]

شما ملاحظہ فرمودید درین آیات قبلاً ذکر کتاب مبین کرد، دوبارہ فرمود کہ چہ چیزھا
درین کتاب مذکور است، فکر کنید کہ درین کتاب ذکر آنچہ در زمین و آسمان است،

موجود است پس بر ذاتی کہ نازل شدہ است چہ قدر علم و دانش او بسیار می شود، اگر علم غیب از جہت سوم دیدہ شود پس این آیا تھا ذیل در عالم تازہ می برند کہ ما در آن عالم از سبب حیرت روی یکدیگر می بینم ولی آنچہ گفتہ شد بر آن از دل و جان ایمان می آوریم اگر ایمان نیاوریم تباہ و بی ارزش می شویم۔۔۔۔ درین آیہ ھا خوب تدبر کنید و وسعت و بسیاری علم مصطفیٰ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم را نظر کنید "اللہ اکبر" ما نمی توانیم کہ علم غیب کہ بہ ذات رسول اکرم از جانب خدا عطاء شدہ است حساب کردہ اندازہ نمائیم کہ چقدر است بلکہ فقط پروردگار می داند کہ بہ فضل خودش بہ محبوب خود علم غیب عطاء کردہ است۔

(۱)۔۔۔۔۔ما ذات گرامی ترا گواھی دھندہ و بشارت دھندہ و ترسانندہ فرستادہ ایم۔ [۴۴]

(۲)۔۔۔۔۔ما ترا گواھی دھندہ برین امت می آریم۔ [۴۵]

(۳)۔۔۔۔۔بہ تحقیق ما نزد شما یک رسولی فرستادہ ایم کہ بر شما گواھی خواھد داد۔ [۴۶]

(۴)۔۔۔۔۔و آن روز کہ برانگیزیم در ھر امتی گواھی بر ایشان از قبیلہ ایشان و بیاریم ترا گواہ اینان۔ [۴۷]

ازین آیت ھا معلوم شد کہ روز قیامت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم تنھا فقط بر امت خودش گواھی نمی باشد بلکہ بر اعمال امتھای دیگر انبیاء کرام گواھی می دھد و گواھی آن شخص مورد قبول قرار می گرد کہ خودش آن کار را مشاہدہ کند و در حضور او سخن گفتہ شدہ باشد ازین آیہ ھا واضح شد کہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم تمام اشیاء را می بیند و آن حضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم از احوال و اعمال ما بی اطلاع نیست بلکہ آگاہ است درین مورد این احادیث را توجہ کنید

(۱)۔۔۔۔۔در یک حدیث فرمودہ است، چنانکہ جلو می بینم در عقب نیز آن چنان می بینم [۴۸] یعنی جلو و عقب یکسان می بینم۔

(۲)----- در حدیث دوم آمده است، وقتیکه از مدینه به مکه می رفت در وادی ارزق حضرت موسیٰ علیه السلام رادید که تلبیه به آواز بلند می خواند و به حج می رود و حضرت یونس علیه السلام را دید که بر شتر سرخ رنگ سوار است در وادی هرشیٰ و جبهٔ پشمین پوشیده است۔ [۴۹]

(۳)-----از حدیث سوم معلوم می شود که آن حضرت جنت و دوزخ رامشاهده نموده است۔ [۵۰]

(۴)-----از حدیث چهارم معلوم می شود کسانیکه اهل جنت واهل دوزخ اند رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نام اهل جنت و اسماء اهل دوزخ را می داند و همه رایک یک می شناسد۔ [۵۱]

(۵)----- از حدیث پنجم معلوم می شود، که شخصی از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم سوال کرد که من جنتی هستم یا دوزخی در جواب آن شخص رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده که تودر جهنم داخل می شوی۔ [۵۲]

(۶)-----در حدیث ششم است که همهٔ امت من بااعمالشان به من پیش کرده شده اند۔ [۵۳]

(۷)----- در حدیث هفتم است که امشب همه امتم نزداین حجره ام مراپیش کرده شده اند به طوریکه هر شخصی را از آن بیشتر می دانم که شما دوست خود تان را می شناسید۔ [۵۴]

در قرآن مجید ارشاد فرموده است----

"آیا نزد آن شخص علم غیب است و آن رامی بیند" [۵۵]

ازین آیه معلوم گشت که علم غیب نزد آن ذات می باشد که خودش ذاتاً مشاهده نماید و به بیند در قرآن مجید متعدد جاها شان بصارت آن حضرت بیان نموده شده است [۵۶] خبر حق اینست و قتیکه ذات خدارا که بزرگترین غیب است باچشم خود دیده

است معلوم شد که هر چیز را دیده است و در محضر او آشکار است حضور اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد می فرماید،

من پروردگارم را در بهترین حسن و جمال دیده ام و خداوند دست قدرت خود را بر پشت من گذاشته و سردی دست قدرت خداوند را سینه ام محسوس کردم در آن وقت هر چیز بران من ظاهر شد و جمله اشیاء و چیزها را شناختم۔ ۵۷

تا حالا مختصری بوده از وسعت علم رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بوده و شان بصارت و دید مبارک آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم بوده مگر علمی که به آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم عطاء کرده شده است و چیزها تیکه خداوند به آن حضرت نشان داده است آیا رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم برای غلامان خود نیز تقسیم کرده یا نه که خداوند نعمت عظیمی به رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم داده بود؟---- از بیشتر روایات معلوم می شود که علم غیب عطاء کرده شده است و بسیار عطاء کرده چرا عطا نمی کند که خداوند آن را تقسیم کننده و فرستاده است۔

مشهور ترین و محبوبترین صحابی حضرت ابو ذر غفاری می فرماید۔

(۱)----- نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ما را درین حالت گذاشته و رفته است که در هوا هیچ پرندۂ نیست که علم آن را پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم برای ما بیان نکرده باشد ۵۸

حضرت حذیفہ رضی اللہ عنہ روایت می کند۔

(۲)-----رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یک مرتبہ درمیان ما ایستاد و تا قیامت هر چه که می آید همه برای ما بیان کرد هیچ چیز را ترک نکرد کسی که یاداشت کر دیا دشد و کسی که فراموش کرد فراموش شد۔ ۵۹

(۳)----- رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بیان فرمود برای ما نام آن شخص و نام

پدرش و اسم قبیله اش که فتنه انگیز تا قیامت می آیند تا آخر دنیا می آید همه را برای ما توضیح داد۔ ۶۰

۴------ وقتیکه در تاریخ ۱۲ هفدهم رمضان المبارک ۲ھ / ۶۲۴ء غزوه بدر رخ داد، قبل از شروع جنگ فرمود، که فلان شخص اینجا قتل کرده می شود و فلان در فلان جا قتل کرده می شود، انگشت مبارک نهاده جای قتل هر مقتولین کفار نشان داد، هر کجا که نشان دهی کرده بود بعد از جنگ دیدند که همان جا که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم براں آن شخص فرموده بود همان جا افتاده بود هیچ جلو و عقب به اندازه یک وجب فرق نبود۔ ۶۱

در بخاری شریف یک حدیث طویل آمده است که برای باز کردن چشم ما کافی است، حضرت انس بن مالک رضی الله عنه می فرماید۔

۵------ پس از زوال آفتاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بیرون تشریف آوردند، بعداً ما را نماز ظهر داد، و وقتیکه سلام گرداند پس بر ممنبر تشریف آورد و بیان قیامت کرد و علامات بزرگ قیامت که قبلاً می آیند ذکر فرمود، بعداً ارشاد نمود که دربارۀ هر چیزی سوال می کنید به پرسید قسم به خدا هر چه از من سوال می کنید تا که درین مقام ایستاده ام به شما می جواب دهم---- حضرت انس رضی الله عنه بیان می کند که صحابه کرام شروع به گریه نمودند و آن حضرت بار بار ارشاد فرمود که "سلونی" بپرسید از من، بپرسید ۶۲ از من---- و درین حدیث پاک این آیت کریمه گواه است---- "و او در گفتن غیب بخیل نیست" ۶۳

یعنی می پرسید پاسخ داده می شود هر چه طلب می کنید داده می شود---- قسم خوردن و

اینطور گفتن پیر سید جواب داده می شود و بار بار فرمودن۔۔۔۔ "از من به پرسید" ۔۔۔۔از من پیر سید برین حقیقت گواه است که خداوند به حضور انور صلی اللہ علیہ وسلم علم غیب عنایت کرده است۔۔۔۔ یک عالم برجسته عرب احمد بن محمد بن الصدیق الغماری الحسنی یک کتاب فاضلانہ نوشته است که موضوع آن این است مطابقہ الاختراعات العصریہ لما اخبر بہ سید البریہ۔ ۶۴

مصنف رحمتہ اللہ علیہ آن اخبار غیب جمع کرده است که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد فرموده است، پس از خواندن حیرت اضافه می شود و چنان معلوم و واضح می شود که ماضی و مستقبل دربار گاه آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم مانند آئینه ظاهر بوده است و این بخاطر آن است که ذات اقدس حضور انور صلی اللہ علیہ وسلم خود فرموده است۔۔۔۔ "که کلید های خزائن زمین نزدم آورده شدند و بردست من نهادند" در حقیقت همیشه کلید ها نزد مالک خزانه می شوند مگر مطلب این نیست که معاذ اللہ خداوند بی اختیار شده است بلکه ازین اظهار اختیار و قدرت خداوند بیشتر دیده می شود، خداوند از فضل خود چه قدر بسیار بر رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم انعام و نوازش کرده است و این همان کلید ها هستند که خزائن معانی و حقیقت قرآن را باز می کند۔۔۔۔ قرآن را ما هم می خوانیم و می بینیم مگر طوری که نگاه مبارک حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم مشاهده می کند حقیقت و معانی ها را چشمهای ما هرگز قدرت نداند آن طور مشاهده کنند فقط یک مثال عرض می کنم، در قرآن مجید یک آیتی است۔ ۶۶

○ ۔۔۔۔و برائی او آماده کنید طاقتی که از دست شما بر آید (یعنی براں دشمنان اسلام)۔

درین جا بظاهر در لفظ "قوة" هیچ رازی دیده نمی شود مگر وقتیکه

از راز او نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم پرده دور می کند در آن موقع عقل انسان متحیر می ماند، لفظ "قوت" را به این نو تفسیر کرده ارشاد نموده۔ ۶۷

خبردار این قوت رمی است، این قوت رمی است، این قوت رمی است در لغت عرب "رمی" بمعنی انداختن می آید چنانچه در حج جمرات را سنگهائی زنند آن را رمی می گویند درین حدیث آن حضرت بطرف جمله سلاحهای رانام برد که امروز ما آنرا مشاهده می کنیم و تعلق قوت و توازن آن رابطه به آن کشور می باشد که درو ساخته سلاحها باشند خصوصاً بمب اتمی، خطرناک راکت میزائل وغیره زدمی شوند، وافگند، می شوند وضاحت قوت کرده می شود از "رمی" وقتیکه احادیث را با دقت مطالعه می کنیم پس سیل علم غیب عطائی آن حضرت صلی الله علیه وسلم در نظر می آید، بالا هرچه که بیان کرده در روشنی و واضح شدن آن مارا درباره علم غیب آن حضرت صلی الله علیه وسلم حقیقتها بسیار معلوم می شود، باید این حقیقتها را به خوبی در ذهن خود جای دهیم۔

①------حرف اول اینست که علم غیب یک حقیقتی است۔

②------حرف دوم اینست که علم غیب ذاتی خاص خداوند را است نه غیر را۔

③------سخن سوم اینست که خداوند کریم محبوب خود را از فضل خود علم غیب عطا۔ می فرماید۔

④------حرف چهارم معلوم گشت که انبیاء کرام را نیز از علم غیب آگاه کرده است از فضل خود۔

⑤------پنجم این حقیقت هویدا شد که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم علم غیب عطا۔ کرده شده است۔

⑥------ششم این حقیقت معلوم شد که این علم را رسول اکرم به صحابه کرام گفته

است واصحاب کرام بہ مسلمانان واقعی تعلیم دادند و توضیح نمودہ اند۔

امروز کشور ھای اسلامی تحت ظلم و ساز شھای عبر قدر تھای کفاران قرار گرفتہ اند، ھدف دشمنان اسلام فقط ذات رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم است۔۔۔ ذات مبارک سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم ھمان مرکز قلب و نظر است کہ از برکت آن مسلمانان زندگانی ابدی حاصل می کنند۔۔۔ کفار در تحت ھمین سازش کہ برای ذات پاک آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم مردم را از نعت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم و تعظیم واز محبت رحمۃ للعلمین باز و دور می دارند کہ مردم نتوانند حب و تعظیم سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم در دلھای خود جای دھند۔۔۔ ما باید از سازش آنھا کہ مردم را از محبت رسول دور می کنند و در شان رسالت توھین می کنند خود را از آنھا دور بداریم و یقین کنیم کہ رب العلمین جل جلالہ، رحمۃ للعلمین صلی اللہ علیہ وسلم را تمام علوم غیبیہ عطائیہ از فضل خود انعام کردہ است، لاریب :

لوح بھی تو قلم بھی تو تیرا وجود الکتاب
گنبد آبگینہ رنگ تیرے وجود میں حباب

اقبال

احقر محمد مسعود احمد عفی عنہ
کراچی

۱۸ ربیع الاول ۱۴۱۴ھ
۶ستمبر ۱۹۹۳ء۔

تعلیقات و حواشی

۱ ------سورۂ علق : ۴-۵

۲ ------سورۂ طٰہٰ : ۱۱۴

۳ ------ابن عبدالبر : جامع بیان العلم وفضلہ، ص ۴۷

۴ ------ایضاً، ص ۴۹

۵ ------ایضاً، ص ۴۶

۶ ------سورۂ بقرہ : ۲۴۷

۷ ------سورۂ بقرہ : ۳۱

۸ ------سورۂ کہف : ۶۵

۹ ------سورۂ بقرہ : ۳

۱۰ ------ سورۂ انعام : ۵۹ (ترجمۂ قرآن مولوی احمد رضا خاں)

۱۱ ------سورۂ بقرہ : ۳۳ (ترجمۂ قرآن ایضاً)

۱۲ ------سورۂ یونس : ۲۰ (ایضاً)

۱۳ ------(ا) سورۂ انعام : ۵ (ایضاً)

(ب) سورۂ ہود : ۳۱

۱۴ ------سورۂ جن : ۲۶ (ترجمہ مولوی اشرف علی تھانوی)

۱۵ ------سورۂ آل عمران : ۱۷۹ (ایضاً)

۱۶ ------سورۂ بقرہ : ۳۱ (ایضاً)

۱۷ ------سورۂ بقرہ : ۲۵۱ (ایضاً)

۱۸ ------سورۂ نمل : ۱۶ (ایضاً)

۱۹ ------سورۂ انبیاء : ۷۴ (ایضاً)

۲۰ ------سورۂ یوسف : ۶۸ (ترجمہ مولوی اشرف علی تھانوی)

۲۱ ------سورۂ یوسف : ۹۶ (ایضاً)

۲۲ ------سورۂ یوسف : ۲۲ (ایضاً)

۲۳ ------سورۂ قصص : ۱۴ (ایضاً)

۲۴ ------سورۂ کہف : ۶۵ (ایضاً)

۲۵ ------سورۂ آل عمران : ۴۹ (ایضاً)

۲۶ ------سورۂ یوسف: ۳۷ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی تھانوی)
۲۷ ------سورۂ جن: ۲۶ (ایضاً)
۲۸ ------سورۂ بقرہ: ۲۵۳
۲۹ ------سورۂ کہف: ۷۰
۳۰ ------سورۂ کہف: ۶۵۔۸۲ (ترجمہ مولوی اشرف علی تھانوی)
۳۱ ------سورۂ نساء: ۱۱۳
۳۲ ------سورۂ اعلیٰ: ۶

(نکتہ اضافہ من جانب مترجم) معلم باشد خالق کائنات جل شانہ، شاگرد باشد امام الانبیاء محبوب خدا صلی اللہ علیہ وسلم، کتاب باشد قرآن مجید۔۔ پس در علم آن ذات پاک سرور علم صلی اللہ علیہ وسلم چہ قدر بسیار وسعت موجود می شود۔۔

۳۳ ------سورۂ شوریٰ: ۵۲
۳۴ ------سورۂ نور: ۶۳ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی تھانوی)
۳۵ ------سورۂ ہود: ۴۹ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
۳۶ ------سورۂ یوسف: ۱۰۲ (ایضاً)
۳۷ ------سورۂ تکویر: ۲۴ (ایضاً)
۳۸ ------سورۂ نحل: ۸۹ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی)
۳۹ ------سورۂ یوسف: ۱۱۱ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
۴۰ ------سورۂ انعام: ۳۸ (ترجمہ اردو مولوی احمد رضا خاں)
۴۱ ------سورۂ مائدہ: ۱۵ (ایضاً)
۴۲ ------سورۂ نمل: ۷۵ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
۴۳ ------سورۂ انعام: ۵۹ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
۴۴ ------سورۂ فتح: ۸ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی)
۴۵ ------سورۂ نساء: ۴۱ (ایضاً)
۴۶ ------سورۂ مزمل: ۱۵ (ایضاً)
۴۷ ------سورۂ نحل: ۸۹ (ایضاً)
۴۸ ------مسلم شریف، ج ۲، ص ۱۱۶
۴۹ ------ابن ماجہ، ص ۲۰۸،۲۰

۵۰ ------مسلم شریف، ج ۲، ص ۱۸۰
۵۱ ------مشکوٰۃ شریف، کتاب الایمان فی القدر، الفصل الثانی، ص ۱۹
۵۲ ------بخاری شریف، ج ۳، ص ۸۵۵
۵۳ ------(ا)مسلم شریف، ج ۱، ص ۲۰۷
(ب) انبار المصطفیٰ، ص ۹ بحوالہ مسند احمد و سنن ابن ماجہ
۵۴ ------انبار المصطفیٰ، ص ۹ بحوالہ طبرانی
۵۵ ------سورۂ نجم : ۳۵ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی)
۵۶ ------سورۂ مجادلہ : ۷، سورۂ ابراہیم : ۱۹، سورۂ بقرہ : ۲۴۳، ۲۵۸، سورۂ حج : ۱۸، سورۂ نور :
۴۱، سورۂ فیل : ۱، (ترجمہ مولوی محمود حسن)
۵۷ ------ترمذی شریف بروایت معاذ بن جبل رضی اللہ عنہ
(ب) مشکوٰۃ شریف، کراچی، ص ۲۷
۵۸ ------انبار المصطفیٰ، ص ۸ بحوالہ مسند احمد و طبقات ابن سعد
۵۹ ------انبار المصطفیٰ، ص ۷ بحوالہ بخاری شریف و مسلم شریف و مسند احمد
۶۰ ------مشکوٰۃ شریف باب الفتن
۶۱ ------مسلم شریف، ج ۲، کتاب الجہاد
۶۲ ------بخاری شریف، کتاب الاعتصام، ج ۳، ص ۸۵۵
۶۳ ------سورۂ تکویر : ۲۴ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
۶۴ ------مفتی احمد میاں برکاتی بعنوان "اسلام اور عصری ایجادات" در زبان اردو ترجمہ کردہ، این
ترجمہ در ۱۹۸۰ء از لاہور طبع شدہ۔
۶۵ ------(ا) بخاری شریف، ص ۸۴۸
(ب) مسلم شریف مع فتح الملہم، کراچی، ج ۲، ۱۱۶
۶۶ ------سورۂ انفال : ۶۰
۶۷ ------مسلم شریف، ج ۲، ص ۱۴۳

الله اکبر

آن حسن و خوبی را نشان آن شمع جمع عاشقان
آن تاج خوبان جهان آن روکش روی بتان

سنبل خجل از موی آن آن باغ جنان کوی آن
ای شمس در آغوش ما آمد چسان آن جان جان

[illegible]


بسم الله الرحمن الرحيم


اور سچوں کے ساتھ ہو جاؤ



ادارۂ مسعودیہ کراچی Idara-e-Mas'udia, Karachi